



بازخوانی فضای صدور خطابات شرعی؛ گامی به سوی فقه اجتماعی نظام‌مند

پدیدآورنده (ها) : تمدن، حمیدرضا

علوم اجتماعی :: نشریه علوم انسانی اسلامی صدرا :: پاییز ۱۳۹۶ - شماره ۲۳

صفحات : از ۲۴۹ تا ۲۵۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1745573>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- روش‌شناسی فقه اجتماعی از دوره تاسیس تا دوره تثبیت
- مردم‌سالاری دینی: میثاقی با امام‌جامعه - نظام‌سازی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی
- تعریف بانک داری اسلامی و مؤلفه‌های آن از نگاه فقه حکومتی
- واکاوی محدوده و قلمرو «قاعده سلطنت» نسبت به سلطه انسان بر اعضای بدن
- کارکرد مقاصد شریعت در توسعه و تعمیق فقه امامیه
- همراه با دانشنامه آثار فقهی شیعه شیوه‌های نگارش فقه
- فقه، چالش‌ها، کاستی‌ها و بایستگی‌های آن
- گستره و روش‌شناسی فقه‌الاجتماع
- غفلت از فقه اجتماعی و ضرورت پرداختن به آن در فقه سیاسی
- درآمد؛ از فقه فردی موجود تا فقه اجتماعی مطلوب
- فقه اجتماعی (مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه)
- اجتهاد شیعی و روش‌شناسی فقه اجتماعی

عناوین مشابه

- اجتماعی: مسئولیت‌پذیری گامی بلند به سوی جامعه مدنی
- جایگزین‌های شرعی برای معاملات ربوی: گامی به سوی بانکداری اسلامی
- گامی به سوی عدالت اجتماعی؛ عدالت و اصلاح فرهنگ مصرف
- گامی به سوی عدالت اجتماعی
- سرمایه اجتماعی گامی به سوی توسعه اجتماعی
- سرمقاله: توسعه تعاونی‌ها گامی به سوی عدالت اجتماعی
- احیای انگیزش اجتماعی به سوی جامعه همبسته محله‌محور بر اساس نقش الگوی اصیل اسلامی در حق بر فضای محاذی زمین (بررسی تطبیقی کتاب دعائم الاسلام با منابع روایی)
- بررسی عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی دانشجویان: گامی به سوی توسعه اجتماعی
- مجلس و استان‌ها: بررسی تحولات اقتصادی و اجتماعی استان ایلام در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ نشان داد:
- تکمیل بازارچه مرزی مهران گامی به سوی توسعه صادرات و اشتغال‌زایی
- کاهش عوامل تقویت‌کننده فقر گامی بلند به سوی کنترل آسیب‌های اجتماعی



بازخوانی فضای صدور خطابات شرعی؛ گامی به سوی فقه اجتماعی نظام‌مند

حمیدرضا تمدن*

مصادق بارز تأثیر مناسبات اجتماعی بر تفسیر متون، فضای ارباب و رعیتی در آن دوره یا به اصطلاح رایج، نظام اجتماعی «عبد و مولا» است. بنابراین بسیار طبیعی است که خطابات شرعی نیز طبق همین نظام تفسیر شود. بعدها در مقابل این نظام که برخاسته از نوع حکومت رایج، یعنی نهاد سلطنت و برده‌داری بود، نظام قانونی تشکیل شد که دوگانه مردم/دولت را تنظیم می‌کرد و «قانون» را محور قرار می‌داد.

بنابر این توضیحات، پیشنهاد می‌شود که در فقه‌الاجتماع به‌جای آنکه هر یک از متون و ادله، جداگانه و خارج از روح حاکم بر صدور حکم بررسی شوند، در یک نگاه جامع‌تر، «هر یک از دو فضا» در فرایند استنباط دخیل شوند.

در سال‌های اخیر و با رواج یافتن نظریه خطابات قانونی حضرت امام خمینی (ره) برخی مباحث که جای خالی آنها در آثار مرتبط با حکم‌شناسی کاملاً محسوس بود، گسترش یافت؛ اما نکته مهم آن است که همه این تحقیقات، همچون خود نظریه خطابات قانونی، بیشتر تمرکشان بر نفس «خطاب» است. آیت‌الله مددی در این باره می‌گوید:

«اخیراً در حوزه‌های ما بحثی به‌عنوان خطابات قانونی

مدتی است که برخی از متخصصان و محققان فقه و اصول، بحث فقه اجتماعی و بایسته‌های آن را مطرح کرده‌اند و با توجه به گستردگی روابط در دنیای معاصر، ضرورت آن بیشتر احساس می‌شود.

آنچه درباره فقه‌الاجتماع بسیار شایسته اهتمام است، همانا تنقیح و تنظیم مبانی آن است که به نظر نگارنده این سطور، تازمانی که این مبانی، پالایش جدی نشود و در نسبت‌سنجی شان با «فقه‌الاجتماع» و اصول فقه فعلی، به نتیجه‌ای قابل توجه دست نیابیم، مفهوم فقه اجتماعی کماکان در مرحله طرح و ادعا باقی می‌ماند و نمی‌تواند داده‌ای به دست دهد.

در همین راستا ضرورت دارد که خطابات شرعی موجود در کتاب و سنت مورد خوانش مجدد قرار گیرند؛ چراکه صرف‌نظر از جنبه‌های هرمنوتیکی مسئله که پرداختن به آنها مجال دیگری می‌طلبد، تفاسیری که از متون و منابع استنباط عرضه شده، بسیار متأثر از شرایط اجتماعی بوده است که برخی از نمونه‌های آن به بوبه نقد گذاشته خواهد شد. اهمیت این امر زمانی روشن‌تر می‌شود که دریابیم نوعی از جهان‌بینی که برای شخص فقیه از این طریق حاصل می‌گردد، رویکرد روشنی و سرانجام، پارادایم فقهی و اصولی وی را تعیین می‌کند.



برداشت‌های شخصی از نصوص را تغییر دهد؟ محققان فقه‌الاجتماع باید پیش از گفت‌وگو درباره مسائل اجتماعی و بیان موضع فقه درباره آنها ابتدا به چنین سؤالاتی پاسخ گویند؛ زیرا جواب آنها - به منزله مبانی این علم - فقه اجتماعی را یک گام دیگر به هویت‌یابی آن نزدیک‌تر می‌کند.

آثار فقهی شیعی نیز با تأثیر پذیرفتن از همین دیدگاه، کاملاً در راستای نگاه فردگرایانه گردآوری شده‌اند. برای مثال مبحث جهاد در کتب قدما عمدتاً ذیل عنوان امر به معروف و نهی از منکر بحث شده و آن را وظیفه فرد قلمداد می‌کرده‌اند. همچنین با بررسی احکام موضوعاتی همچون جهاد، قضا و... درمی‌یابیم که در تقسیم انواع واجب، این دسته و نظایرشان در زمره واجبات «کفایی» قرار می‌گیرند. همین امر نیز نشان می‌دهد که تفسیر آنها تحت تأثیر همین نگاه عبد و مولا به خطابات شرعی است، نه نگاه قانونی و اجتماعی. به‌دیگر بیان این واجبات، وظایف افراد به شمار می‌روند که در صورت امتثال یک عده، تکلیف از عهده دیگران برداشته می‌شود.

عبور از شخصیت‌گرایی در پرتو آرای مرحوم شمس‌الدین

اما نگاه مرحوم امام (ره) با طرح نظریه خطابات قانونی^۵ و یا رویکرد شهید صدر با ذکر نظریه فهم اجتماعی نص^۶ و مرحوم شیخ محمد مهدی شمس‌الدین با طرح نظریه خطابات اجتماعی، نتیجه متفاوتی به دست خواهد داد؛ زیرا در استنباطها و خوانش‌های فقهی از منابع، دیگر از نقش قانون و دولت غفلت نخواهد شد. برای مثال مرحوم شمس‌الدین در تبیین رابطه مسئله عسر و حرج و جهاد، و تعارض ابتدایی این دو که ممکن است به ذهن متبادر گردد، می‌فرماید: «دیدگاه فردگرایانه و جزء‌نگر باعث ایجاد اختلال و فقدان نگاه شمولی و کل‌نگر به احکام شده است... همین امر نیز موجب گشته تا فقه به فقه افراد تبدیل شود». سپس بیان می‌دارد: «همین رویکرد جزء‌نگر و عدم توجه به مخاطب قرار گرفتن جامعه، موجب شده است که به‌اشتباه برای برخی مطلقات و عموماً همچون نفی عسر و حرج و وجوب جهاد و زکات و احکام جزایی که از مقاصد شارع نیز هستند، بدون دلیل خاصی، قید و مخصص در نظر بگیریم تا با یکدیگر تعارض نکنند».

مطرح شده است که بحث بدی نیست، ولی در آنجا فقط بحث را روی «خطاب» برده‌اند، درحالی که در فضای قانونی، بحث روی خود قانون و روح قانونی و نظام قانونی است و خطاب، مرحله تعبیر است... ما اولاً باید شکل و شمایل نظام قانونی را روشن کنیم؛ بعد مسئله خطابات قانونی مطرح می‌شود که مثلاً در خطابات قانونی انحلال معنا ندارد و اصلاً فرد نگاه نمی‌شود و مثلاً مخاطب را جامعه یا مسلمانان یا الذین آمنوا قرار می‌دهد»^۱.

در همین شرایط است که شارع ناگزیر می‌شود برای تفاهم با مکلفین و ابلاغ نظر خود به آنان، از اصطلاحات رایجی استفاده کند که تابع یکی از دو نظام ذکر شده هستند (عبد و مولا/نظام قانونی) و همین باعث بروز اختلافاتی در برداشت‌ها از متون گشته است. برای مثال امام صادق (ع) می‌فرماید: «اغسل ثوبک من أبوال ما لا یؤکل لحمه؛ بول حیوانات حرام گوشت را از لباس بشوی». در اینجا ممکن است به دلیل آنکه شارع برای بیان احکام وضعی/تکلیفی، مولوی/ارشادی و... از یک اصطلاح استفاده می‌کند و تنها با یک صیغه، مکلف را امر و نهی می‌کند، حکم ارشادی و مولوی با یکدیگر اشتباه شوند.

آیت‌الله سیستانی نیز با اشاره به آیه شریفه «إنما المشرکون نجس»^۳ می‌فرماید: معنای نجس در آیه مذکور نیز چنین وضعیتی دارد. آیا مراد از نجس، معنایی قانونی است که برخی احکام و آثار بر آن مترتب خواهد بود یا آنکه نجاست، در اینجا تنها تعبیری ادبی و به معنای خبیث و پلید بودن است و تنها کاربردش تأثیرگذاری بر احساسات مخاطب است؟ ایشان سپس تصریح می‌کنند که این ابهام از زبان عربی ناشی می‌شود.^۴ پس زبان و اصطلاحات خاصی که در آن شکل گرفته، ناشی از همان مناسبات عبد و مولاست و همچون آیین‌های، فرهنگ و آثار آن نظام را منعکس می‌کند.

اما آیا امروزه که در اکثر قریب به اتفاق جوامع انسانی، محوریت و مرکزیت قانون مطرح شده و در جوامع پیشرفته، دیگر آثاری گسترده از نظام ارباب و رعیتی مشاهده نمی‌شود، متون دینی همچنان به همان شکل سنتی‌شان باید تفسیر شوند؟ آیا همین نوع تفسیر فردی مبتنی بر پارادایم شخصیت‌گرایی، در فقه اجتماعی نیز کارآمد است؟ آیا محوریت قانون توانسته است

آیا امروزه که در اکثر قریب به اتفاق جوامع انسانی، محوریت و مرکزیت قانون مطرح شده و در جوامع پیشرفته، دیگر آثاری گسترده از نظام ارباب و رعیتی مشاهده نمی‌شود، متون دینی همچنان به همان شکل سنتی‌شان باید تفسیر شوند؟ آیا همین نوع تفسیر فردی مبتنی بر پارادایم شخصیت‌گرایی، در فقه اجتماعی نیز کارآمد است؟ آیا محوریت قانون توانسته است برداشت‌های شخصی از نصوص را تغییر دهد؟

براساس نظر ایشان ممکن است که اینها در فقه شخصیت‌گرا با یکدیگر تعارض داشته باشند، اما کسانی که چنین تعارضی را مطرح می‌کنند، از این نکته غفلت کرده‌اند که «چنین تکالیفی، متوجه افراد نیست تا گفته شود که اینها نسبت به افراد، حرجی و ضرری است؛ بلکه همگی تکالیف امت و جوامع هستند. بنابراین هرگاه که متوجه امت شوند، دیگر در مقایسه با حالتی که خطاب متوجه افراد بود، ضرری نیستند». پس با این تفسیر، جهاد دیگر حکم فرد نیست، بلکه تکلیفی بر امت است و در این صورت دیگر حرجی و تحمل‌ناپذیر نخواهد بود.

همچنین وی به‌عنوان یک نمونه برای اثبات مدعای خود مبنی بر غفلت از عنصر اجتماع در

استنباط‌های رایج، مسئله «احتیاط» در فتاوی‌ای فقها را به عنوان نمونه ذکر می‌کند. او معتقد است که اگر در امر استنباط، نگاه اجتماعی و به‌طور کلی فراشخصیتی میان فقها حاکم بود، شاهد این حجم عظیم از فتاوی‌ای احتیاطی نبودیم. اثر این فراوانی آنگاه محسوس تر می‌گردد که در نظر آوریم خطاب شریعت، چه به‌صورت قانونی و چه اجتماعی، به جامعه است نه به فرد.^۴

غرض در این نوشته، اثبات صحت همه آنچه در رویکرد اجتماعی یا قانونی مطرح می‌گردد، نیست؛ بلکه آنچه مدنظر قرار گرفت، همان لزوم تغییر دیدگاه است که فقه را از حالت فردگرایانه خارج می‌کند و با اجتماع پیوند می‌دهد.

گفتنی است که موضوعات فراوانی همچون نظام حجیت در خطابات قانونی و اجتماعی، نقش زبان و ادبیات در این قسم از خطابات، تأثیرات شخصیت‌گرایی بر فتاوا و ارتباط آن با عسر و حرج، وضعیت قواعد فقهی در صورت گذار از شخصیت‌گرایی و... مطرح می‌گردد که شایسته است علاقه‌مندان به فقه‌الاجتماع دربارہ آنها تحقیق اساسی کنند تا مبانی و شبکه مفاهیم مربوط به آنها نیز اندک‌اندک جمع‌آوری گردد و در نهایت، صورت نظام‌واره به خود گیرد و بتواند به مسائل جدید پیش روی جامعه اسلامی، پاسخ مناسب و کارآمد و فقیهانه دهد. ■

پی‌نوشت

* دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه

امام صادق (ع)

۱. برگرفته از جزوه «نظام قانونی ولایی» که در سایت معظم له آمده است: <http://www.ostadmadadi.ir/persian/12266/book>

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸.

۳. توبه: ۵۰.

۴. هاشمی، سید هاشم، اختلاف الحدیث: تقریرات درس خارج اصول آیت الله سیستانی، ص ۷۵؛ همچنین برای اطلاع بیشتر رک: الهی خراسانی، علی، نظریه اعتبار قانونی در گذار از شخصیت‌گرایی، ۵ ن. ک: خطابات قانونیه، مؤسسه حفظ و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵ ش.

۵. صدر، محمدباقر، همراه با تحول اجتهاد، ۱۳۸۸ ش، ترجمه علی اکبر ثبوت، ص ۲۵.

۶. رفاعی، عبد الجبار، مقاصد الشریعه، ۱۴۲۱ هـ، صص ۱۹-۲۰.

۷. برگرفته از گفت‌وگوی عبد الجبار رفاعی با مرحوم شمس‌الدین در کتاب مقاصد الشریعه، صص ۲۰ و ۲۵.

